

باسمه تعالی

- مقدمه واجب** ۲
- تفصیلات مطرح شده در وجوب مقدمه** ۲
- تفصیل اول: وجوب مقدمه سببی و عدم وجوب غیر سببی** ۲
- اجوبه مرحوم آخوند** ۲
- تفصیل دوم: وجوب مقدمه شرعی و عدم وجوب مقدمه غیر شرعی** ۳
- جواب اول مرحوم آخوند: رجوع شرط شرعی به عقلی** ۳
- اشکال استاد به جواب اول مرحوم آخوند** ۳
- جواب دوم مرحوم آخوند: استلزام دور از وجوب شرعی مقدمه** ۳
- اشکال استاد به جواب دوم مرحوم آخوند** ۴
- مقدمه مستحب و مکروه و حرام** ۵
- مقدمه مستحب** ۵
- مقدمه حرام و مکروه** ۵

موضوع: بررسی اقوال / بررسی مقدمات مستحب و مکروه / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد مقدمه واجب تمام شد. مختار استاد عبارت است از: امر به ذی المقدمه عرفاً، امر به مقدمه است. فهم عرفی علمای سابق نیز این گونه بوده است که امر به ذی المقدمه عرفاً امر به مقدمه است. نکته این استدلال نیز دو مطلب است: یکی این است که خیلی اوقات امر مستقل به مقدمات تعلق گرفته است و دیگر این است که نکته تعلق امر به مقدمه، مستتبع بودن امر به ذی المقدمه نسبت به امر به مقدمه است.

مقدمه واجب

تفصیلات مطرح شده در وجوب مقدمه

تفصیل اول: وجوب مقدمه سببی و عدم وجوب غیر سببی

بحث در بعضی از تفصیلاتی است که مرحوم آخوند^۱ در خاتمه بحث مقدمه واجب متعرض شده است. عمده آن تفصیلات، دو تفصیل است. تفصیل اول بین مقدمه سببی و مقدمه غیر سببی است. مقدمه سببی به مقدمه ای گفته می شود که ذی المقدمه بر آن مترتب می شود و بین مقدمه سببی و ذی المقدمه تخلل اراده نیست. مقدمه غیر سببی مقدماتی است که مقدمه از جمله معذات هستند و ذی المقدمه بر آنها مترتب نمی شود و لا اقل اراده مکلف بین مقدمه و ذی المقدمه تخلل پیدا می کند.

گفته شده است: مقدمات سببی وجوب دارند و مقدمات غیر سببی وجوب ندارند. وجه آن این است که در مقدماتی که سبب برای ذی المقدمه هستند، سبب تحقق قدرت مکلف است و مسبب تحت قدرت مکلف نیست؛ پس چیزی که واجب است همان سبب است بر خلاف مقدمات غیر سببی که ذی المقدمه مقدور مکلف است و از طرفی امر، به ذی المقدمه تعلق گرفته است و وجهی ندارد که امر به مقدمات سرایت کند.

اجوبه مرحوم آخوند

مرحوم آخوند جواب داده است: اولاً ملاک وجوب مقدمه، توقف است و توقف در مقدمات غیر سببی هم وجود دارد و تفصیل وجهی ندارد.

ثانیاً دلیل مستدل اگر صحیح باشد، تفصیل در وجوب ذی المقدمه است. مستدل ادعا کرده بود: مسبب غیر مقدور است و تکلیف به مسبب تکلیف به غیر مقدور است؛ پس تکلیف به سبب تعلق گرفته است و نتیجه آن این است که سبب وجوب نفسی داشته باشد.

ثالثاً بیان مستدل اشتباه است؛ زیرا مسبب مقدور است؛ ولی مقدور با واسطه است. خیلی اوقات در شریعت امر به مسبب تعلق گرفته است و وجهی ندارد که ما رفع ید از ظهور امر به مسبب کنیم. نظیر فری اوداج اربعه که سبب برای تذکیه حیوان است و حکم بر تذکیه مترتب شده است؛ پس اشکالی ندارد که امر به مسبب تعلق گرفته شده باشد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۷.

تفصیل دوم: وجوب مقدمه شرعی و عدم وجوب مقدمه غیر شرعی

تفصیل دوم، تفصیل بین مقدمه شرعی و غیر آن (مقدمات عقلیه و مقدماتی که شارع در دخالتی در آنها ندارد) است. اگر مقدمه شرعی باشد، وجوب شرعی دارد؛ چون فرض این است که شرعی است و وجوب به تعلق پیدا کرده است. مانند وجوب طهارت و تستر برای نماز؛ اما اگر مقدمه شرعی نیست وجهی ندارد که مقدمه وجوب داشته باشد. مانند قطع مسافت برای حج.

جواب اول مرحوم آخوند: رجوع شرط شرعی به عقلی

مرحوم آخوند فرموده است: شرط شرعی به شرط عقلی رجوع می‌کند. سابقاً یکی از تقسیمات مقدمه تقسیم مقدمه به عقلی و شرعی و عادی بود. مرحوم آخوند فرموده بود که مقدمه شرعی به مقدمه عقلی رجوع می‌کند؛ زیرا بعد از این که شارع چیزی را شرط قرار داد، توقف ذی المقدمه بر مقدمه عقلی است و مقدمات عادی هم که اساساً مقدمه نیستند. پس ما یک مقدمه داریم و آن مقدمه عقلی است.

اشکال استاد به جواب اول مرحوم آخوند

جواب اول مرحوم آخوند جواب از مستدل نیست؛ زیرا مستدل نیز قبول دارد مقدمه شرعی به عقلیه رجوع می‌کند. مستدل ادعا دارد که شرعی شدن مقدمه قبل از رجوع آن به عقلی، به ایجاب شارع است و مستدل قبول دارد که بعد از این که شارع مقدمه را واجب کرد به عقلی رجوع می‌کند. در مرحله ای که مقدمه شرعی می‌شود، مستدل می‌گوید وجوبش از جانب شارع است و اشکال مرحوم آخوند در مرتبه بعدی است که به عقل رجوع می‌کند.

جواب دوم مرحوم آخوند: استلزام دور از وجوب شرعی مقدمه

مرحوم آخوند فرموده است: اصل ادعا صحیح نیست و استدلال باطل است. مستدل گفته بود مقدمه شرعی واجب است؛ چون نمی‌شود مقدمه شرعی باشد و ایجاب شرعی نداشته باشد. این دلیل دور است؛ زیرا ایجاب غیر، متوقف بر مقدمه بودن است حال اگر بنا باشد که مقدمه، موقوف بر ایجاب باشد، دور لازم می‌آید.

حال این سوال مطرح می‌شود که مقدمیت از چه راهی آمده است؟ مقدمیت از راه تقید واجب نفسی حاصل شده است. این که مثلاً وجوب بر نماز با طهارت مترتب شده است تقید از آن انتزاع شده است؛ پس تقید با امر نفسی حاصل شده است؛ یعنی شرطیت از تکلیف نفسی و امر استقلالی انتزاع می‌شود. مثلاً مولى که امر به نماز می‌کند، مطلق نماز که مأمور به نیست؛ بلکه

حصه‌ای از نماز متعلق امر است و آن صلاة مقید به قید و شرط است؛ یعنی نماز مقید به وضو واجب است و از این امر به مقید، قید و شرط بودن وضو انتزاع می‌شود نه از امر غیری تا دور باشد.

اشکال استاد به جواب دوم مرحوم آخوند

جواب دوم مرحوم آخوند نیز صحیح نیست. ایشان فرمود: مقدمیت نمی‌تواند موقوف بر ایجاب باشد و الا دور لازم می‌آید. مشهور می‌گویند: ایجاب متفرع بر مقدمیت است و مقدمیت هم از ناحیه تقید حاصل می‌شود. تقید یک فعلی به شرطی با صیانت‌های مختلفی بیان می‌شود گاهی اوقات امر به مقدمه و ذی المقدمه با هم تعلق گرفته است (نماز با طهارت بخوان) و گاهی اوقات شارع می‌فرماید: لا صلاة الا بطهور. مشهور قائلند: همیشه در اوامر غیریه یک تقیدی (فعل به همراه شرط) اعتبار شده است و تقید مقدمیت را حاصل می‌کند و ایجاب بر مقدمیت مترتب می‌شود.

به نظر ما شرطیت شرعیه همان طوری که به دو طریقه مذکور ممکن است، می‌توان طریقه سومیه هم داشته باشد؛ یعنی ممکن است بگوییم با ایجاب غیری هم شرط شرعی حاصل می‌شود. از قبیل متمم الجعل مرحوم نائینی نسبت به قیود غیر مقدور. مثلاً شارع مقدس امر به نماز می‌کند و بعد می‌بیند که نماز بدون طهارت غرض را حاصل نمی‌کند به خاطر ذی المقدمه، یک امر غیری به طهارت صادر می‌کند.

به نظر ما شرط شرعی نیاز به اعتبار تقید در رتبه قبل از امر به آن ندارد؛ یعنی برای تحقق شرطیت چیزی نیاز نیست که در مرحله اول تقید مشروط به شرط اعتبار شود و بعد به آن امر شود؛ بلکه از ابتدا شارع می‌تواند امر کند و با این امر شرطیت و تقید حاصل بشود.

تمام نکته بحث همین است که آیا برای شرط شرعی شدن، نیاز است که در رتبه اول مشروط متقید به شرط اعتبار شده باشد و بعد به آن امر شده باشد یا نیازی به متقید شدن ندارد؟ به نظر ما نیازی به اعتبار در رتبه سابق ندارد.

حال به بررسی اصل اشکال دور مرحوم آخوند بپردازیم. در محل کلام دور لازم نمی‌آید و اشکال مرحوم آخوند صحیح نیست. ما گفتیم امر غیری متوقف بر ملاک غیری داشتن است نه این که متوقف بر مقدمیت باشد؛ یعنی اول مصلحت غیری وجود دارد و بعد امر غیری می‌کند و بعد انتزاع مقدمیت می‌شود.

مقدمه مستحب و مکروه و حرام

مقدمه مستحب

مرحوم آخوند می‌فرماید که مقدمه مستحب، مثل مقدمه واجب است و اقوالی که در آنجا بود در اینجا صدق می‌کند. بر مسلک ما که ملازمه را پذیرفتیم، مقدمه مستحب هم مستحب غیر شرعی است.

مقدمه حرام و مکروه

مهم مقدمه حرام (و مکروه) است که آیا مقدمه حرام، حرام هست یا نه؟ مرحوم آخوند می‌فرماید: اگر مقدمه حرام از مقدماتی باشد که بدنبال انجام آن حرام صادر شود و مکلف قدرت بر ترک حرام نداشته باشد و مقدمه، جزء اخیر علت تامه صدور حرام باشد، چنین مقدمه‌ای حرام است و طلب ترک از ذی‌المقدمه به این مقدمه ترشح می‌کند. تفاوت مقدمات واجب و حرام در این است که در واجبات که طلب فعل است همه مقدمات موقوف علیه هستند و همه آنها واجب هستند؛ ولی در باب حرام چون مساله ترک است متوقف بر ترک مقدمه اخیره دارد؛ یعنی وقتی مولا طلب ترک نسبت به چیزی را داشت و ملتفت بود که این ترک متوقف بر ترک آخرین مقدمه است؛ پس ترک آخرین مقدمه واجب است و انجام آن حرام است.

به عبارت دیگر، ملاک سرایت وجوب از مطلوب نفسی به مطلوب غیری توقف است و در سائر مقدمات حرام توقف وجود ندارد؛ یعنی ممکن است همه مقدمات انجام بشود؛ ولی مقدمه اخیره را انجام ندهد؛ پس حرام نفسی ترک می‌شود. لذا مرحوم آخوند تفصیل بین مقدمات تولیدیه و غیر تولیدیه داده است.

ان قلت: افعال اختیاری ما اعم از واجب و حرام، اموری هستند که دارای مقدماتی هستند و الشیء ما لم یجب لم یوجد. بنا بر این، کلیه افعال، اعم از فعل تولیدی و غیر تولیدی، دارای مقدمه‌ای هستند که جزء اخیر از علت تامه را تشکیل می‌دهد و تا نیاید، فعل هم نمی‌آید و با آمدن آن فعل حتماً می‌آید؛ ولی در فعل تولیدی جزء اخیر از علت تامه عبارتست از مثلاً القاء فی النار و در غیر تولیدی جزء اخیر اراده انسان است. حال که در همه جا علت تامه مطرح است؛ پس چرا جزء اخیر از علت تامه فعل تولیدی را حرام دانسته و می‌گوئید که این‌گونه مقدمه‌های حرام، حرام می‌باشند؛ ولی جزء اخیر از علت تامه فع را حرامل غیر تولیدی نمی‌دانید و فرق می‌گذارید؟

قلت: مرحوم آخوند می‌فرماید: بلکه قبول داریم که جزء اخیر از علت تامه اگر نباشد صدور فعل ممکن نیست؛ ولی فرق افعال تولیدی و غیر تولیدی در آن است که در فعل تولیدی، آخرین مقدمه چیزهائی از قبیل القاء در نار است که مقدور و اختیاری

است و قابلیت دارد که متعلق نهی و تحریم واقع شود؛ لذا این گونه سببها حرام اند؛ ولی در فعل غیر تولیدی، آخرین مقدمه صدور فعل، اراده است و اراده، اختیاری و تحت قدرت و اراده مکلف نیستند. ادامه بحث در جلسه آینده.